

رشد اقتصادی در سایه کارآفرینی و رقابت پذیری

فریدون آزما^۱، علی پورمندی^۲

^۱ استادیار مدیریت، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول

^۲ دانشجوی دکتری کارآفرینی (کسب و کار)، دانشگاه آزاد واحد علی آباد کتول، مدیر بیمارستان (نویسنده مسئول)

چکیده

در این مقاله رشد اقتصادی در سایه ی کارآفرینی و رقابت پذیری بررسی می شود. تحلیل نشان داد که رشد اقتصادی که توسط GDP در هر نرخ رشد سرانه اندازه گیری می شود، و رقابت پذیری جهانی کشورها که توسط میزان رشد شاخص رقابت پذیری جهانی انجمن اقتصادی جهان (WEF) اندازه گیری می شود به صورت مثبت به یکدیگر مرتبط هستند. تحلیل تطبیقی نیز نشان داد که برخی از انتقال های خاص و کارآمد کشورها، بالاترین سطح پیشرفت در ارکان رقابت پذیری مختلف را داراست که در رشد اقتصادی کشور منعکس شده است. به هنگام آزمون فرضیه ها در مورد روابط بین میانگین رشد کیفیت شاخص های کارآفرینی در مراحل اولیه و میانگین رشد GDP در هر سرانه، هیچ رابطه ی معناداری یافت نشد. این یافته ها مطابق با نظریه کلی است که فعالیت کارآفرینانه تنها به عنوان بخشی از محیط تجاری وسیع تر و مطلوب از رشد اقتصادی پشتیبانی می کند. نتایج تحقیق شامل چارچوب اولیه ی تحلیلی برای سیاست گذاران و مدیران کشورها می باشد.

واژه های کلیدی: رشد اقتصادی، کارآفرینی، رقابت پذیری

مقدمه

بحث گسترده ای در میان سیاست مداران و دانشمندان در مورد معنا و مولفه های مفهوم رقابت پذیری وجود دارد. Boltho (۱۹۹۶) آن را به عنوان توانایی اقتصاد به منظور تامین استاندارد بالاتری از زندگی نسبت به اقتصادهای قابل مقایسه تعریف کرده است، این در حالیست که Porter (۱۹۹۸) استدلال می کند که تنها مفهوم معنادار رقابت پذیری، بهره وری ملی است. شاخص رقابت پذیری جهانی (GCI) انجمن جهانی اقتصاد (WEF) که عمدتاً به عنوان ابزار اندازه گیری معتبر رقابت جهانی از آن یاد می شود، بر مبنای تعریف Porter (۱۹۹۸) می باشد. بر طبق این تعریف، رقابت پذیری یک کشور مجموعه ای از عوامل اقتصادی خرد و کلان است که به ترتیب سوددهی و رشد اقتصادی را تعریف می کند (WEF, ۲۰۱۴). هیچ شک و تردیدی وجود ندارد که بخش کارآفرینانه ی توسعه یافته تاثیر اساسی ای بر رشد اقتصادی و موفقیت اقتصادهای ملی دارد

(Acs and Szerb 2009; Baumol 1990; Bosma and Levie 2010; Leibenstein 1968; Rebernik et al. 2015; Schumpeter 1934; Von Mises 1949; etc.)

دو محرک اصلی رشد اقتصادی از طریق کارآفرینی را می توان شناسایی کرد: وجود شرکت های تاسیس شده ی اصلی و فرآیندهای کارآفرینانه که در شرکت های جدید و در حال رشد -کارآفرینی در مرحله ی اولیه- به وقوع می پیوندند (Reynolds و همکاران ۲۰۰۲). کارآفرینان مرحله ی اولیه افرادی هستند که به صورت شخصی در ایجاد سرمایه گذاری جدید نقش دارند و به طور همزمان به عنوان مالکان/مدیران شرکت جدید مشغول به کار هستند شرکت هایی که پیشینه ی آن ها کمتر از $3\frac{1}{2}$ است (Reynolds و همکاران ۲۰۰۵). بخش کارآفرینی پویا بدون در نظر گرفتن مرحله ی توسعه اقتصادی برای رشد اقتصادی اساسی است -اگرچه ویژگی های کارآفرینانه و همینطور ویژگی های تاثیر بخش کارآفرینی بر رشد اقتصادی متفاوت است. در این مقاله، رابطه بین رشد اقتصادی همانطور که توسط WEF (۲۰۱۴) تعریف شده و رقابت پذیری ملی و کارآفرینی همانگونه که توسط نرخ رشد خالص محصول داخلی (GDP) در هر سرانه اندازه گیری شده است، بررسی می شود. مطالعات کنونی در مورد رابطه بین رقابت پذیری و رشد اقتصادی عمدتاً بر یک بعد از رقابت پذیری (برای مثال Harrison ۱۹۹۶) یا بر بخش خاصی (برای مثال Gardiner و همکاران ۲۰۰۴) متمرکز است. تحلیل تجربی تحقیق، بر نمونه ای از کشورهای عضو اتحادیه اروپا (EU) اروپای شرقی و مرکزی انجام شد که پیشینه ی سیاسی یکسان و بنابراین فرصت های قابل قیاسی از توسعه اجتماعی-اقتصادی داشتند. مورد دوم با تحولات سیستم های سیاسی در آغاز دهه ۱۹۹۰ و در دو دهه اخیر با پیوستن تدریجی این کشورها به اتحادیه اروپا افزایش یافته است. برخی از نویسندگان به طور متفاوتی منطقه ی اروپای شرقی و مرکزی را تعریف می کنند. بر طبق تعریف OECD (۲۰۱۴)، این منطقه شامل آلبانی، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، جمهوری اسلواکی و اسلوونی است. تحلیل تجربی این

مقاله بر نمونه ای از ۱۱ کشور عضو CEE UE انجام شده است. تحلیل های موجود از رقابت پذیری کشورهای CEE بر یک یا دو ابعاد رقابت پذیری متمرکز است (برای مثال، Patrariu و همکاران ۲۰۱۳، Wilinski، ۲۰۱۰)، رقابت پذیری را در یک سال خاص مورد بحث قرار می دهد (برای مثال کمیسیون اروپایی ۲۰۱۴)، یا رقابت پذیری را برای کشورهای منتخب CEE ارزیابی می کند (برای مثال ۲۰۱۳ Niessner). بینش جامعی در مورد پیشرفت و پسرفت همه ی ابعاد رقابت پذیری در دوره ی طولانی و تاثیرات ممکن شان بر نرخ رشد اقتصادی کشورهای عضو CEE EU وجود ندارد.

از آنجاییکه فعالیت کارآفرینانه مستقیماً در شاخص رقابت پذیری جهانی WEF در بر گرفته نمی شود و به این دلیل که تاثیرش بر رشد اقتصادی توسط چندین مطالعه تجربی تایید شده است، این رابطه بر نمونه ی کشورهای عضو CEE EU آزمایش می شود. چندین مطالعه وجود دارد که تاثیر مقدار فعالیت کارآفرینانه را بر رشد اقتصادی مورد مطالعه قرار می دهد (معمولاً توسط GDP در هر سرانه اندازه گیری می شود) (Wennekers و همکاران ۲۰۱۰)، که نشان می دهد که سطح فعالیت کارآفرینانه و GDP در هر سرانه رابطه ی U شکلی دارند. از آنجایی که ویژگی های فعالیت کارآفرینانه به طور متوسط بسته به سطح توسعه ی اقتصادی متفاوت است، کیفیت فعالیت کارآفرینانه ممکن است نقش بالقوه ی اساسی ای ایفا کند. به این دلیل است که به جای تمرکز بر حجم یا مقدار کارآفرینی در اقتصاد، بر کیفیت فعالیت کارآفرینانه تمرکز کردیم.

این تحقیق به صورت زیر سازمان دهی شده است: در بخش "پیشینه نظری و فرضیه ها" رقابت پذیری کشور، مفهوم سازی شد و تاثیرات ارکان رقابت پذیری بر رشد اقتصادی، توصیف گردید؛ سپس فرضیات، برای تحقیقات شکل داده شد. بخش "روش شناسی و داده ها" توصیف کاملی در مورد روش و جمع آوری داده ها فراهم می کند. در بخش "تحلیل تجربی"، تحلیل تجربی انجام شده است و فرضیات آزمون شدند. در بخش "نتیجه گیری"، یافته های تجربی را مورد بحث قرار داده و محدودیت های تحقیق بیان شد.

پیشینه ی نظری و فرضیات تحقیق

طبق WEF (۲۰۱۴)، رقابت پذیری یک کشور متشکل از ۱۲ رکن است که در سه گروه قرار دارد. گروه نخست به نیازهای اولیه ی نهادها، زیرساخت ها، پایداری اقتصادی کلان، سلامت و تحصیلات اولیه مرتبط است. گروه دوم نشان دهنده ی منابع کارآیی-تحصیلات عالی، کارآیی بازار کالا، کارآیی بازار کار، توسعه ی بازار مالی، آمادگی فناوری، اندازه بازار و پیچیدگی تجارت می باشد. گروه سوم در بر دارنده ی عواملی مانند نوآوری و پیچیدگی تجارت است. همه ی این ۱۲ رکن سعی در تقویت یک دیگر دارند و ضعف در یک حوزه اغلب تاثیر منفی ای در دیگری دارد (WEF ۲۰۱۴). همه ی این ارکان تا حدی برای همه اقتصادها مهم تلقی می شود؛ با این وجود، به دلیل مراحل مختلف توسعه ی کشورها، به طرق مختلفی آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد. نیازهای اولیه هنوز در مرحله ی مبتنی بر عامل برای کشورها مهم است و افزایش دهندگان کارآیی برای کشورهایی

که به سمت مرحله ی مبتنی بر کارآیی پیشرفت می کنند حائز اهمیت است. همه ی کشورهایی که در بین دو یا سه مرحله قرار دارند می توانند در حال انتقال و تغییر در نظر گرفته شوند. برای هر یکی از ۱۲ رکن رقابت پذیری کشور، شواهد تجربی ای در مورد تاثیرشان بر رشد اقتصادی وجود دارد.

کیفیت نهادهای یک کشور که می تواند با چارچوب قانونی و اجرایی تعیین شود که درون آن ها افراد، شرکت ها و دولت ها برای تولید سرمایه تعامل می کنند، توسط چندین مطالعه به عنوان عامل رشد اقتصادی به اثبات رسیده اند (برای مثال [Acemoglu et al. 2002](#); [North 1989](#); [Rodrik et al. 2002](#)). بر طبق Miller و همکاران (۲۰۱۴)، نهادهای عمومی می توانند هزینه های اقتصادی قابل توجهی را بر تجارت ها متحمل شوند و فرآیند توسعه اقتصادی را آهسته تر سازند (برای مثال بروکراسی مفرط و فرمالیته اداری، مقررات بیش از اندازه، فساد، ناسازگاری در برخورد با عموم، عدم شفافیت، ناتوانی در فراهم آوردن خدمات مناسب برای بخش تجارت، مدیریت نامناسب امور مالی دولتی و وابستگی سیاسی سیستم قضایی). علاوه بر نهادهای دولتی، مدیریت خوب نهادهای خصوصی و حفظ سرمایه گذار و اعتماد مصرف کننده نیز عامل مهمی در فرایند تولید سرمایه است (به Zingales ۱۹۹۸ رجوع کنید).

کیفیت و وسعت شبکه های زیرساخت، بازار ملی را ادغام کرده و آن را با هزینه ای کم به بازارهایی در کشورهای دیگر متصل می سازد، تجارت ها را قادر می سازد که در روشی ایمن و به موقع کالاها و خدماتشان را به بازار ارائه دهند، منجر به جریان اطلاعات سریع و ارزان می گردد، موقعیت فعالیت های اقتصادی را تعیین می کند، حرکت کارگران را تسهیل می بخشد، از وقفه و کمبود لوازم انرژی جلوگیری می کند. برای مثال تاثیرشان بر رشد اقتصادی توسط Canning و Pedroni (۱۹۹۹) و Serven و Calderon (۲۰۰۴) شناسایی شده است.

اگرچه تحقیقات موجود (برای مثال Fischer ۱۹۹۳) تنها اثرات ضعیفی از ثبات اقتصاد کلان بر بهره وری و رشد را یافته است، اما شواهد واضحی در مورد اثرش بر فعالیت اقتصادی کوتاه مدت وجود دارد. برای مثال، اثرات سطوح پایین و متوسط تورم توسط Goodfriend (۲۰۰۷) و Temple (۲۰۰۰) مورد مطالعه قرار گرفت، اثرات سطوح بدهی عمومی (دولتی) توسط Reihart و Rogoff (۲۰۱۰) بررسی شد و اثرات سطح مالیات، ساختار وضع مالیات و روشی که دولت پول را مصرف می کند توسط Johansson و همکاران (۲۰۰۸) مورد مطالعه قرار گرفت.

کارمندان سالم برای بهره وری یک کشور حیاتی و مهم هستند. بنابراین، سرمایه گذاری در ارائه ی خدمات سلامت و بهداشت عامل مهمی در توسعه اقتصادی و رشد است (به Sachs ۲۰۰۱ رجوع کنید). کمیت و کیفیت تحصیلات اولیه که توسط مردم کسب می شود، کارآیی کارگران را افزایش داده و بیشتر منجر به ابداع یا اجرای نوآوری ها می گردد که در نهایت به تجارت ها کمک می کند که با تولید محصولات پیچیده تر یا با ارزش تر، زنجیره ارزش را گسترش دهند (به WEF ۲۰۱۴ رجوع کنید).

نرخ های ثبت نام ثانویه و سومی و همینطور کیفیت آموزش عالی نیز عوامل کلیدی برای اقتصادهایی است که می خواهند زنجیره ارزش را گسترده تر سازند (به Krueger و Linndahl ۲۰۰۱ رجوع کنید).

کارآیی بازار کالا با توجه به شرایط خاص عرضه و تقاضا در یک کشور و همینطور اثربخشی تبادل با این کالاها به تولید ترکیب درست محصولات و خدمات مرتبط است (WEF ۲۰۱۴). بهترین محیط ممکن برای تبادل کالا نیازمند سطح بالایی از رقابت بازار و حداقل مداخله ی دولت است که مانع فعالیت تجاری می گردد (به Branstetter و همکاران ۲۰۱۰). آزادی برای رقابت بین المللی از طریق تبادل و سرمایه گذاری یک کشور را قادر می سازد که بهره وری را بهبود بخشیده، صنایع محلی سودآور را گسترش داده و به دانش و فناوری پیشرفته تر از خارج از کشور دسترسی داشته باشند (Delgado و همکاران ۲۰۱۲).

یک رابطه مثبت بین آزادی و رفاه (برای مثال Alesina et al. 2005; Baldwin 2003; Dollar and Kraay 2003) و همینطور تاثیر مثبت تبادل بر انتقال دانش و نوآوری یک کشور (برای مثال Branstetter ۲۰۰۶) توسط چندین محقق یافت شد. کارآیی بازار نیز بر شرایط تقاضا بستگی دارد مانند جهت گیری مشتری و پیچیدگی خریدار (برای مثال Porter ۱۹۹۸). مشتریان با تقاضای بیشتر کمپانی ها را وادار می سازند که نوآور تر و مشتری محور تر باشند و بنابراین نظم لازم برای کارآیی بازار را تحمیل می کند.

به منظور دستیابی به کارآیی بازار، کارگران باید به موثرترین کاربرد در اقتصاد تخصیص داده شوند و به آن ها انگیزه ای داده شود که در کارشان تا حد ممکن بهترین تلاش شان را ارائه دهند. بنابراین، بازار کار در صورتی از رشد اقتصادی پشتیبانی می کند که برای تغییر سریع و کم هزینه ی کارگران از یک فعالیت اقتصادی به فعالیت دیگر به اندازه کافی انعطاف پذیر باشند و بدون اختلال اجتماعی زیاد نوسانات دستمزد را ممکن سازند (به Kaplan ۲۰۰۹ رجوع کنید).

دسترسی موثر به سرمایه برای کمپانی ها حائز اهمیت است تا سرمایه گذاری های بلند مدت مورد نیاز برای افزایش سطوح بهره وری را ایجاد کنند (Levine ۲۰۰۵). بنابراین، توسعه بازار مالی در تخصیص منابع مالی به آن پروژه های سرمایه گذاری یا کارآفرینانه با نرخ مورد انتظار بالاتر از سود به جای مواردی که به صورت سیاسی به یکدیگر متصل است منعکس می شود. بعلاوه، در پیچیدگی اش منعکس می شود، که ارائه ی سرمایه از منابع مختلف را مقدور می سازد (WEF ۲۰۱۴). به منظور برآورده کردن همه ی آن عملکردها، بازارهای مالی به مقررات مناسبی نیاز دارند تا از سرمایه گذاران و دیگر عوامل در اقتصاد حفاظت کنند.

برای شکوفا شدن اقتصاد، مهم است که در اتخاذ فناوری های موجود چابک بود تا سودآوری صنایع اش را افزایش داد (به Barro و SalaiMartin ۲۰۰۳). بنابراین، آمادگی تکنولوژیکی معاصر در دسترسی و کاربرد فناوری ارتباط-اطلاعات (ICT) منعکس شده است.

اندازه بازار به عنوان یکی از موهبت های کشور، از طریق فرصت هایی برای دستیابی به مقادیر اقتصادی بر بهره وری تاثیر می گذارد. در عصر جهانی شدن، بازارهای بین المللی به جایگزینی برای بازارهای داخلی بویژه برای کشورهای کوچک تبدیل شده است. از این رو، صادرات و عضویت در ادغام منطقه ای (که می تواند دسترسی ارزان تر و ساده تر به دیگر بازارها را ممکن سازد) می تواند به عنوان جایگزینی برای تقاضای داخلی در تعیین اندازه ی بازار برای شرکت های یک کشور در نظر گرفته شود. اثرات بازارهای بین المللی یک کشور در مطالعاتی مانند Parteka و Derlacz-Wolszcka (۲۰۱۳) نشان داده می شوند.

پیچیدگی تجارت با کمیت و کیفیت تامین کنندگان محلی، فراهم آورندگان و نهادهای مربوطه در زمینه ای خاص و مقدار تعاملات شان مرتبط است. به دلیل کارآیی بالاتر بهره وری را افزایش می دهد، فرصت های بیشتری برای نوآوری در فرآیندها و محصولات را ایجاد می کند و مانع ورودی برای شرکت های جدید را کاهش می دهد (به Delgado و همکاران ۲۰۱۰ رجوع کنید). بعلاوه، عملیات و استراتژی های پیشرفته ی شرکت ها (نام تجاری، بازاریابی، توزیع، فرآیندهای تولید پیشرفته و تولید محصولات پیچیده و منحصر بفرد) در اقتصاد جریان دارد و منجر به فرآیندهای تجارت مدرن و پیچیده در بخش های تجارت یک کشور می شود که بهره وری بالاتر را به همراه دارد (۲۰۱۳ WEF را ببینید). مطالعات تجربی متعدد اهمیت عملیات و استراتژی های کمپانی برای سودآوری بالاتر را تایید می کند (برای مثال Bloom و Van Reenen ۲۰۰۷).

تاثیر مثبت نوآوری فناوری (شامل نهاد ها و سیاست های حامی نوآوری) بر بهره وری به صورت تجربی توسط مطالعاتی مانند Grossman و Helpman (۱۹۹۱) و Furman و همکاران (۲۰۰۲) به اثبات رسیده است. بر طبق (۱۹۹۰) Romer، نوآوری فناورانه بویژه برای اقتصادهایی مهم است که دیگر بهره وری شان تنها با ادغام و اتخاذ فناوری های بیرونی بهبود نمی یابد.

بر مبنای پیشینه ی نظری و شواهد از ادبیات، که مفهوم رقابت پذیری یک کشور و تاثیر هر پایه رقابت پذیری را بر رشد اقتصادی توصیف کرده ایم، فرضیه زیر را ایجاد می کنیم:

فرضیه H۱. رشد GDP اقتصاد ملی در هر سرانه و رشد رقابت پذیری اقتصادی ملی به صورت مثبت به یکدیگر مرتبط هستند. تحقیق کنونی بر تحلیل بین کیفیت رشد اقتصادی و فعالیت کارآفرینانه تمرکز می کند. نتایج تحقیقات کنونی از این ایده پشتیبانی می کند که رابطه بین سطح فعالیت کارآفرینانه در اقتصاد و رشد اقتصادی دارای نمایی U شکل است

(Wennekers و همکاران ۲۰۱۰). روند رو به بالای رابطه ی U شکل به دلیل کیفیت فعالیت کارآفرینانه است. در واقع، فرد دارای شغل آزاد در انتهای پایین تر طیف کارآفرینانه و کارآفرینان بلند پرواز نوآورانه در انتهای بالایی باید تمایز داده شوند. در اقتصادهای مبتنی بر نوآوری، همبستگی مثبتی بین میزان شیوع استارت آپ های تجارت و متوسط درآمد هر سرانه می تواند غالب باشد؛ از سوی دیگر، در اقتصادهای مبتنی بر عامل و کارآیی، ممکن است همبستگی حتی منفی باشد، با تغییر نظامی که تا حدی به ویژگی های کیفی کارآفرینی وابسته بود. یک موقعیت مشابه در خصوص رابطه بین سطوح کارآفرینی و رقابت پذیری اقتصادها یافت می شود. نشریات اخیر (WEF ۲۰۱۵) نشان داد که رقابت پذیری اقتصاد افزایش می یابد، نسبت های پایین تری از جمعیت در سن کار با فعالیت کارآفرینانه آغاز می کنند. فرضیات متعددی وجود دارد که می توانند این موقعیت را توصیف کنند: در اقتصادهای بسیار رقابتی نسبت به اقتصادهایی با رقابت کمتر تعداد بیشتری فرصت های اشتغال جذاب وجود دارد که هزینه های فرصت شروع تجارت در این اقتصادهای بسیار رقابتی را افزایش می دهد. همچنین سطح مهارت بالاتر مورد نیاز برای شروع یک تجارت که می تواند در محیط بازار بسیار رقابتی رقابت کند موانع ورود برای کارآفرینان جدید در این اقتصادهای بسیار رقابتی را بالا می برد (WEF ۲۰۱۵:۱۰).

با این حال، تحقیقات اندکی در مورد تاثیر کیفیت فعالیت کارآفرینانه وجود دارد که تمرکز اصلی تحقیق مان است. بنابراین، فرضیه H۲ این است که کیفیت فعالیت کارآفرینانه در مرحله اولیه در اقتصاد و رشد GDP اقتصاد ملی هر سرانه مرتبط هستند اما نشانه ی رابطه شان فرض نشده است.

فرضیه H۲: رشد GDP اقتصاد ملی هر سرانه و رشد کیفیت فعالیت کارآفرینانه مرحله ابتدایی به یکدیگر مرتبط هستند.

روش شناسی و داده ها

این قسمت تحقیق پویای اقتصاد کلان است که بر مبنای داده های ثانویه است. محاسبات میانگین نرخ رشد شاخص های رقابت پذیری و GDP هر سرانه برای هر کشور عضو CEE EU با تحلیل های قیاسی این متغیرها برای کشورهای مورد بحث و توسط بررسی روابط بین این متغیرها دنبال شده است. داده ها برای دوره ی ۲۰۰۸-۲۰۱۴ از World Economic Forum's Global Competitiveness Reports و Eurostat Database جمع آوری شده است. تحقیقات در مورد تاثیر کیفیت فعالیت کارآفرینانه مراحل اولیه بر رشد اقتصادی بر مبنای شاخص های نظارت کارآفرینی جهانی (GEM) می باشد.

GEM پروژه ای است که از سال ۱۹۹۹ توسط کنسرسیوم تحقیقاتی انجام شده است تا رابطه بین کارآفرینی و توسعه اقتصادی ملی درک شود. GEM تحقیقات و تحلیل ویژگی ها، روابط و وابستگی ها در سطح فردی و همینطور سطح جمعی کشور را مقدور ساخت. همچنین ویژگی های کارآفرینان سطح اولیه و استارت آپ هایشان را بررسی کرد که در مطالعه کنونی

مورد استفاده قرار گرفت. داده های جمع آوری شده به عنوان بخشی از برنامه تحقیقاتی GEM همگام با استانداردهای فنی کنونی در تحقیقات علوم اجتماعی هستند. تحقیقات GEM پایگاه داده متمایز بین المللی را بر چندین مولفه و جنبه ی کارآفرینی فراهم می کند. روش شناسی تحقیقات GEM و نظرسنجی ها به تفصیل در Reynold و همکاران (۲۰۰۵) توصیف شده است.

همه ی کشورهای عضو CEE EU در یک سال در نظارت کارآفرینی جهانی (GEM) شرکت نکردند: رومانی، کرواسی، مجارستان، لتونی و اسلوونی در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۳، جمهوری چک، لیتوانی، لهستان و جمهوری اسلوواکی در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۳، استونی در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ و بلغارستان در سال ۲۰۱۵ شرکت کردند. با هدف ایجاد تحلیل قیاسی، دوره ی زمانی ۳ سال متوالی در نظر گرفته شد: ده کشور تحلیل شده در سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۳ شرکت کردند (جمهوری چک، کرواسی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، جمهوری اسلوواکی و اسلوونی). با این حال، استونی تنها در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ شرکت کرد.

تحلیل تجربی

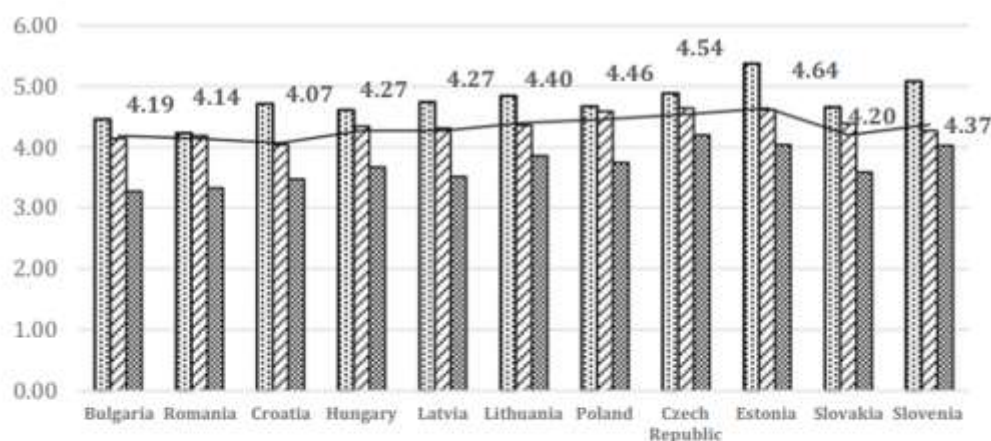
در بخش نخست تحلیل تجربی، میانگین امتیازات شاخص رقابت پذیری جهانی (GCI) از ۱۱ کشور عضو CEE EU و میانگین رشد این امتیازات در دوره ی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ را مقایسه کردیم. هدف این تحلیل قیاسی نشان دادن حالت رقابت پذیری این کشورها بعد از آغاز بحران مالی و اقتصادی بود، و همینطور ایجاد سوابق پیشرفت یا پسرفت هر کشور با توجه به ارکان رقابت پذیری در دوره ی مشاهده شده بود. به منظور دستیابی به بینش دقیق در مورد رقابت پذیری هر کشور، هر گروه از ارکان را تحلیل کردیم- نیازهای اولیه، افزایش دهندگان کارایی و عوامل نوآوری و پیچیدگی.

شکل ۱ نشان می دهد که بالاترین سطوح رقابت پذیری در دوره ی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ توسط جمهوری چک و استونی بدست آمد. همچنین مشهود است که برخی از کشورهای در حال تحول (لیتونی و لهستان) سطح متوسط بالاتری نسبت به برخی از کشورها در مرحله ی توسعه مبتنی بر نوآوری داشته اند (اسلوونی و جمهوری اسلوواک). بر طبق WEF (۲۰۱۴)، بلغارستان و رومانی به عنوان کشورهایی در سطح توسعه ی مبتنی بر کارایی طبقه بندی میشوند: کروات، مجارستان، لاتویا، لیتونیو لهستان به عنوان کشورهایی در مرحله ی تحول توسعه، و جمهوری چک، استونی و جمهوری اسلوواک و اسلوانی به عنوان کشورهایی در مرحله ی توسعه ی مبتنی بر نوآوری می باشند.

شکل ۲ نشان دهنده ی میانگین سطوح رشد رقابت پذیری کلی و میانگین سطوح رشد سه گروه ارکان رقابت پذیری برای کشورهای عضو CEE EU می باشد. در اینجا بینشی در مورد زمینه های اصلی پیشرفت و پسرفت در رقابت پذیری کشورهای عضو CEE EU در دوره ی زمانی مشاهده شده بدست می آوریم. جایگاه اسلوانی در همه ی این سه گروه از عوامل رقابت

پذیری بدتر بود، بالاترین کاهش در گروه عوامل نوآوری و پیچیدگی مشاهده شد که رشد آینده‌ی اسلوانی را با توجه به سطح توسعه‌ی بدست آمده‌اش به خطر می‌انداخت. مشاهدات مشابه برای جمهوری چک نیز معتبر است که زوال بالایی در اکثر گروه‌های مهم ارکان رقابت پذیری بر طبق سطح توسعه‌اش داشت. اسلواکی که در میان کشورهای مبتنی بر نوآوری دسته بندی شد نیز بالاترین سطح زوالی از نیازهای اولیه را داشت با اینکه اساس و بنیادی برای پایان بخشیدن به دوره‌ی تحول یک کشور را نمایان ساخت.

شکل ۱. میانگین رقابت پذیری جهانی کشورهای عضو CEE EU (امتیازات، ۲۰۰۸-۲۰۱۴). منبع داده: WEF (۲۰۰۸، ۲۰۱۴، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۱۰، ۲۰۰۹ و محاسبات نویسندگان. توجه: برای توضیح طبقه بندی کشورها بر زبق سطح توسعه‌شان و برای وزن‌های شاخص‌های فرعی در GCI بر طبق مرحله توسعه به (۲۰۱۳:۱۰) WEF رجوع کنید.



شاخص فرعی نیازهای اولیه

شاخص فرعی افزایش دهندگان کارایی

شاخص فرعی عوامل نوآوری و پیچیدگی

شاخص رقابت پذیری جهانی



شکل ۲. میانگین رشد امتیازات رقابت پذیری جهانی از کشورهای عضو CEE EU (٪ ۲۰۰۸-۲۰۱۴). منابع داده ها an (۲۰۱۴، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۱۰، ۲۰۰۹، ۲۰۰۸) WEF و محاسبات نویسندگان.

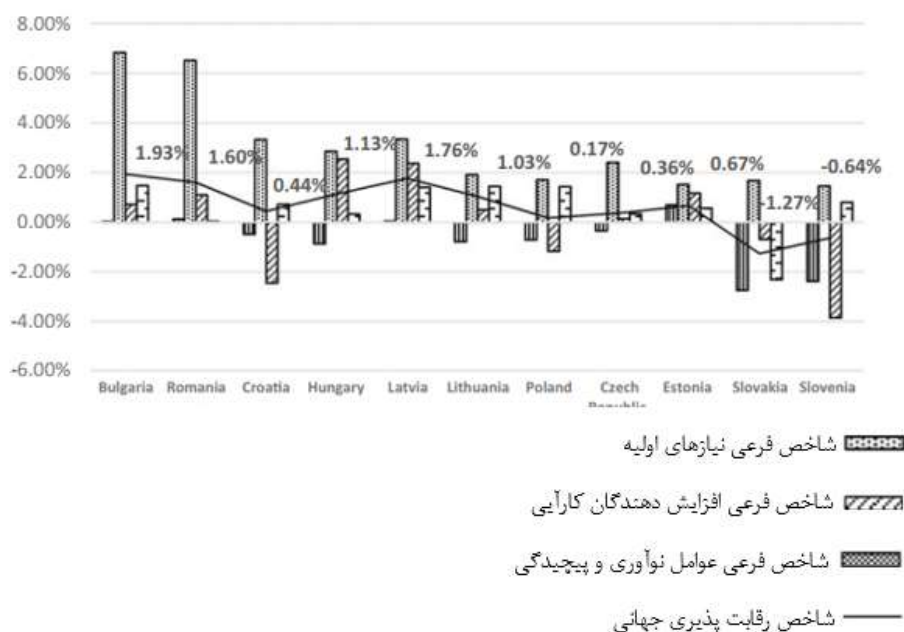
در میان کشورهای در حال تغییر، داده ها نشان می دهد که بدترین جایگاه متعلق به کرواسی بود. دیگر کشورهای در حال تغییر جایگاه بهتری نسبت به میانگین رشد رقابت پذیری جهانی شان بدست آوردند اگرچه لهستان و مجارستان رقابت پذیری در زمینه ی عوامل نوآوری و پیچیدگی را از بین بردند. بر طبق داده ها، بلغارستان-یکی از دو کشور عضو CEE EU در مرحله ی توسعه مبتنی بر کارآیی- بهتر از دیگر کشورها در زمینه ی میانگین رشد رقابت پذیری در دوره مشاهده شده عمل کرد. تصویر دقیق تر موقعیت کشور در مورد عوامل اصلی رقابت پذیری توسط شکل ۳ نشان داده شده است. همه ی کشورهای عضو CEE EU به استثنای اسلواکی و اسلوونی رقابت پذیری کلی شان را در این زمینه بهبود دادند. این دو کشور بالاترین میزان پسرفت در زمینه ی نهادها و محیط اقتصاد کلان را دارا بودند. زوال محیط نهادی برای کرواسی، مجارستان، لیتوانی، لهستان و جمهوری چک نیز مشاهده شد. بالاترین سطوح رقابت پذیری در زمینه ی نیازهای اولیه توسط بلغارستان، لتونی و رومانی ثبت شد. رومانی، لتونی و کرواسی بالاترین پیشرفت در زمینه ی زیرساخت را دارا بودند. با این حال، استونی کشور اصلی در قالب پیشرفت در زمینه ی محیط نهادی است.

شکل ۴ نشان می دهد که پایین ترین موقعیت با توجه به افزایش دهندگان کارآیی توسط برخی از کشورهای در سطح توسعه ی مرحله ی مبتنی بر نوآوری بدست آمده است این کشورها عبارتند از اسلوونی، اسلواکی و جمهوری چک. کشورهای دیگر

رقابت پذیری شان را در این گروه از عوامل بهبود دادند. اکثر کشورهای مورد مطالعه شاهد زوال سطوح رقابت پذیری در زمینه ی محیط مالی بودند که اسلوونی در این وجه بدترین مورد بود. زوال کارآیی بازار کار دومین دلیل مهم برای کاهش رقابت پذیری کلی در این گروه بود. با این حال، اکثر کشورهای عضو CEE EU در زمینه ی توسعه آمادگی فناوری پیشرفت داشتند؛ بهترین نتیجه در این زمینه به کرواسی، بلغارستان، لتونی و لیتوانی تعلق دارد.

گروه عوامل پیچیدگی تجارت و نوآوری تکنولوژیکی (شامل نهادها و سیاست های حامی نوآوری) به طور قابل توجهی در دو کشور که بر سر این مورد رقابت داشتند یعنی اسلوونی و جمهوری چک بدتر بود و همینطور کرواسی و لهستان و مجارستان که این عوامل می توانست به پیشرفت سریع تر مرحله توسعه ی مبتنی بر نوآوری نسبت داده شود (به شکل ۵ رجوع کنید).

جدول ۱ تجزیه و تحلیل وضعیت رقابت پذیری کشورهای عضو CEE EU در دوره ی زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ است. یافته ها به شرح زیر است: بلغارستان و لتونی بهبودهایی در بالاترین میزان رکن رقابت پذیری داشتند (۱۱)، استونی و رومانی هریک در ۹ رکن بهبود یافتند، لهستان و لیتونی در ۸ رکن پیشرفت داشتند، مجارستان در ۷ رکن، اسلواکی و جمهوری چک در ۶ رکن، کرواسی و اسلوونی هر یک در ۵ رکن بهبود داشتند.



شکل ۳. میانگین رشد رقابت پذیری جهانی کشورهای عضو CEE EU در زمینه ی نیازهای اولیه (% ۲۰۰۸-۲۰۱۴). منبع داده:

WEF (۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴) و محاسبات نویسندگان

در بخش دوم تحلیل تجربی، میانگین GDP هر سرانه و میانگین رشد GDP هر سرانه در کشورهای CEE EU در دوره ی زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ را محاسبه کردیم (به شکل ۳ رجوع کنید). در یافتیم که بالاترین رشد GDP هر سرانه در دو کشور

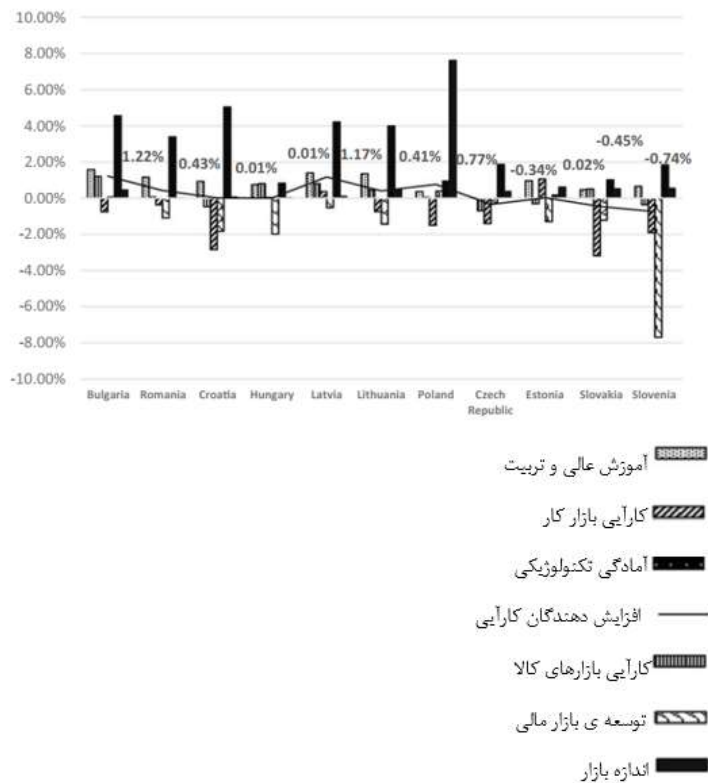
مبتنی بر کارآیی (رومانی و بلغارستان) و دو کشور در حال تحول (لتونی و لیتوانی) ثبت شد که پایین ترین سطوح میانگین GDP هر سرانه را نشان دادند. دو کشور مبتنی بر نوآوری-اسلوونی و جمهوری چک-پایین ترین سطح رشد GDP هر سرانه را بدست آوردند. این برای دو کشور دیگر مبتنی بر نوآوری با بالاترین سطح GDP هر سرانه یعنی اسلواکی و استونی درست نبود.

با هدف آزمون فرضیه ۱ تحقیق مان، کشورهای مشاهده شده را بر اساس میانگین GDP هر سرانه، میانگین امتیازات GCI و میانگین رشد امتیازات GCI رتبه بندی کردیم (جدول ۲).

رابطه بین رشد GDP اقتصاد ملی هر سرانه و رشد رقابت پذیری اقتصادی ملی با استفاده از ضرایب همبستگی غیرپارامتریک اسپیرمن آزمون شد، از آنجاییکه می خواستیم رابطه بین رتبه بندی را ایجاد کنیم نه خود مقادیر. در حالیکه همبستگی بین میانگین رتبه های GDP هر سرانه و میانگین رتبه های GCI معنادار نیست، نتیجه مهمی که از فرضیه ۱ پشتیبانی می کرد این است که رتبه های رشد GDP هر سرانه و رتبه های رشد GCI از نظر آماری به طور مثبت و معناداری به هم مرتبط هستند (ضریب همبستگی = 0.649 ; $p < 0.05$)، بنابراین از فرضیه ۱ پشتیبانی می شود.

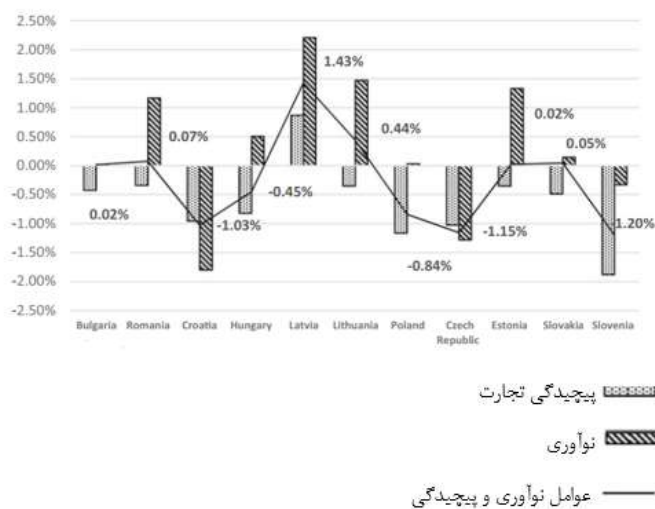
تفاوت های کشور در کیفیت فعالیت کارآفرینانه در مرحله ی اولیه توسط پنج شاخص اندازه گیری شد:

- درصد در میان کارآفرینان مرحله اولیه در کشوری که معتقد بودند محصولات/خدماتش برای همه یا حداقل برخی از مشتریان بالقوه جدید بود؛
- درصد در میان کارآفرینان مرحله اولیه در کشوری که معتقد بودند در مورد محصولات/خدماتشان رقیبان بسیار اندک یا هیچ رقیبی در بازار کشور وجود ندارد؛
- درصد در میان کارآفرینان مرحله اولیه در کشوری که از جدید ترین تکنولوژی ها برای تولید محصولات/خدماتشان استفاده می کردند (فناوری هایی که بیش از یک سال قدمت نداشتند)؛
- درصد در میان کارآفرینان مرحله اولیه در کشوری که معتقد بودند که حداقل ۱۰ کارمند در ۵ سال آینده را استخدام خواهند کرد (رشدی برابر با حداقل ۵۰٪)؛
- درصد در میان کارآفرینان مرحله اولیه در کشوری که قصد داشتند محصولات/خدماتشان را صادر کنند (حداقل ۱٪ از مشتریان بالقوه شان از خارج از کشور می آمدند).



شکل ۴. میانگین رشد رقابت پذیری جهانی کشورهای عضو CEE EU در زمینه ی افزایش دهندگان کارایی (% ۲۰۰۸-۲۰۱۴).

منابع داده: WEF (۲۰۱۴، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۱۰، ۲۰۰۹، ۲۰۰۸) و محاسبات نویسندگان



شکل ۵. میانگین رشد رقابت پذیری جهانی کشورهای عضو CEE EU در زمینه ی عوامل نوآوری و پیچیدگی (% ۲۰۰۸-۲۰۱۴).

منابع داده ها: WEF (۲۰۱۴، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۱۰، ۲۰۰۹، ۲۰۰۸) و محاسبات نویسندگان

شکل ۷ نشان می دهد که در همه ی ۱۰ کشور، رشد همه ی شاخص های کارآفرینانه بسیار کم است به جز در مورد درصد در میان کارآفرینان مرحله اولیه در کشوری که از جدید ترین فناوری ها برای تولید محصولات/خدماتشان استفاده می کنند. در این دسته، همه ی کشورها به استثنای جمهوری چک و اسلواکی نرخ های مثبتی را ثبت کردند. نتایج باید با احتیاط تفسیر شود، از آنجاییکه ارزیابی دوره ی فناوری در دسترس بر سطح توسعه فناوری بستگی دارد (برای مثال، ممکن است چیزی که در کشور کارآمد اقتصادی به عنوان فناوری جدید ارزیابی شود در اقتصاد مبتنی بر نوآوری جدید نباشد). احتیاط مشابه در تفسیر در مورد ارزیابی جدید بودن محصولات/خدمات تولید شده ضروری است که رومانی مبتنی بر کارآیی بالاترین نرخ رشد را ثبت کرد.

تقریباً در همه ی کشورها، میانگین نرخ رشد استارت آپ هایی که در جاویژه های شناسایی شده با رقیبان اندک یا هیچ رقیبی عمل می کردند منفی است - تنها در استونی و اسلوونی مقادیر مثبت شدند (در هر دو مورد ۱،۱۲٪).

به همین منوال، میانگین نرخ رشد استخدام جدید مورد انتظار اساساً منفی بود.

سه کشور نرخ رشد مثبتی را با توجه به صادرات ثبت کردند. در استونی، اسلوونی و جمهوری اسلواکی، رشد درصد کارآفرینان مرحله اولیه که انتظار داشتند حداقل ۱٪ از مشتریانشان از خارج از کشور بیایند مثبت بود.

در کل، جمهوری چک نرخ رشد غیرمنفی از شاخص های کارآفرینانه را گزارش داد. کرواسی، مجارستان و لتونی گزارش دادند که یکی از پنج نرخ رشد غیرمنفی بود. رومانی سه و اسلوونی پنج را ثبت کردند.

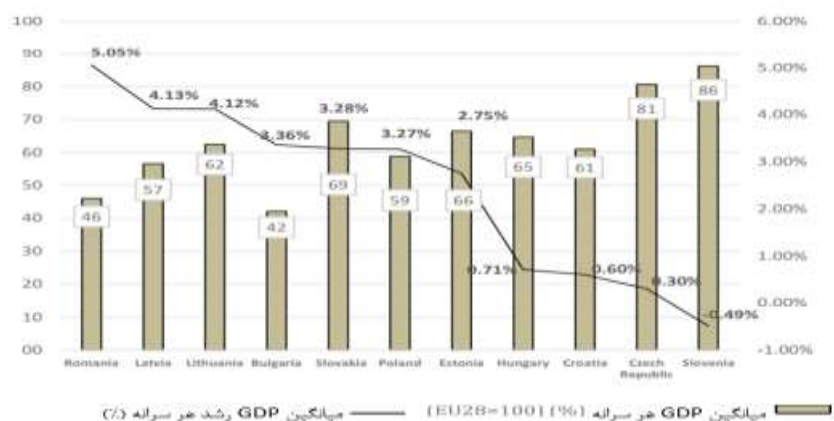
جدول ۱ تجزیه و تحلیل وضعیت رقابت پذیری کشورهای عضو CEE EU (۲۰۰۸-۲۰۱۴)

کشور	نیازهای اولیه					افزایش دهندگان کارآیی							عوامل نوآوری و پیچیدگی		
	Tc	Ins	Inf	Me	Hpe	Tc	Het	Gme	Lme	Fmd	Tr	Ms	Tc	Bs	In
بلغارستان	Im	+	+	+	+	Im	+	+	+	+	+	+	Im	-	+
رومانی	Im	+	+	+	+	De	+	+	-	-	+	+	Im	-	+
کرواسی	Im	-	+	-	+	De	+	-	-	-	+	+	De	-	-
مجارستان	Im	-	+	+	+	Un	+	+	Un	-	+	Un	De	-	+
لتونی	Im	+	+	+	+	Im	+	+	+	-	+	+	Im	+	+
لیتوانی	Im	-	+	+	+	De	+	+	-	-	+	+	Im	-	+
لهستان	Im	-	+	-	+	Im	+	+	-	+	+	+	De	-	+
اسلواکی	De	-	+	-	-	De	+	+	-	-	+	+	Im	-	+
استونی	Im	+	+	+	+	De	+	-	+	-	+	+	Im	-	+
جمهوری	De	-	+	+	+	De	+	-	-	-	+	+	De	-	-
اسلوونی	De	-	+	-	+	De	+	-	-	-	+	+	De	-	-

منبع داده ها: (۲۰۱۴، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۱۰، ۲۰۰۹، ۲۰۰۸) WEF و محاسبات نویسندگان.

TC رقابت پذیری کلی، Ins نهادهای، Inf زیرساخت، Me محیط اقتصاد کلان، Hpe سلامت و آموزش اولیه، Het آموزش عالی و تربیت، Gme کارآیی بازار کالاها، Lme کارآیی بازار کار، Fmd توسعه بازار مالی، Tr آمادگی فناوری، Ms اندازه بازار، Bs پیچیدگی تجارت، In نوآوری، Im بهبود، Un بدون تغییر، De زوال

به هنگام بررسی معناداری رابطه بین میانگین رشد کیفیت شاخص های کارآفرینی مرحله اولیه و میانگین رشد GDP هر سرانه، هیچ رابطه معناداری یافت نشد. بعلاوه، برخی از ضرایب همبستگی نشانه های مثبت و برخی نشانه های منفی رابطه را نشان دادند، بنابراین هیچ پشتیبانی ای برای فرضیه ۲ فراهم نکردند. این نتایج به طور کلی با برخی از یافته های مطالعات پیشین همگام بود که این رابطه فرضی را بررسی کردند که نوآوری و کارآفرینی به صورت مثبت به یکدیگر مرتبط بودند و اینکه هر دوری آن ها منجر به رشد اقتصادی می شد. با این وجود Anokkin و Wincent (۲۰۱۲) در مطالعه شان در یافتند که این همیشه درست نیست. آن ها تاثیر مشترک نرخ های کارآفرینی استارت آپ سطح کشور، سرمایه نسبی (GDP هر سرانه) و R&D هر سرانه در حق ثبت های سطح کشور و سودآوری عامل کلی (TFP) را بررسی کردند. نتایج آن ها حاکی از این بود که کیفیت و تاثیر فعالیت کارآفرینانه باید به طور معناداری در سطح کشور متفاوت باشد. نرخ های استارت آپ های بالا و کارآفرینان خواهان موارد بالا به صورت مثبت به نوآوری سطح کشور و سودآوری عامل کلی اعانه داشتند تنها زمانی که شرایط چارچوب درست رخ داده باشد. نکته مهم این بود که سرمایه گذاران سیاست در ایجاد شرکت جدید به تنهایی نمی توانستند در رشد اقتصادی پیشرفت کنند؛ آن ها با سرمایه گذاری ها در آموزش و نوآوری به طور کلی همراه بودند. نتیجه گیری اصلی این بود که کارآفرینی می توانست از رشد اقتصادی پشتیبانی کند، اما تنها به عنوان بخشی از ابزار سیاست وسیع تر.



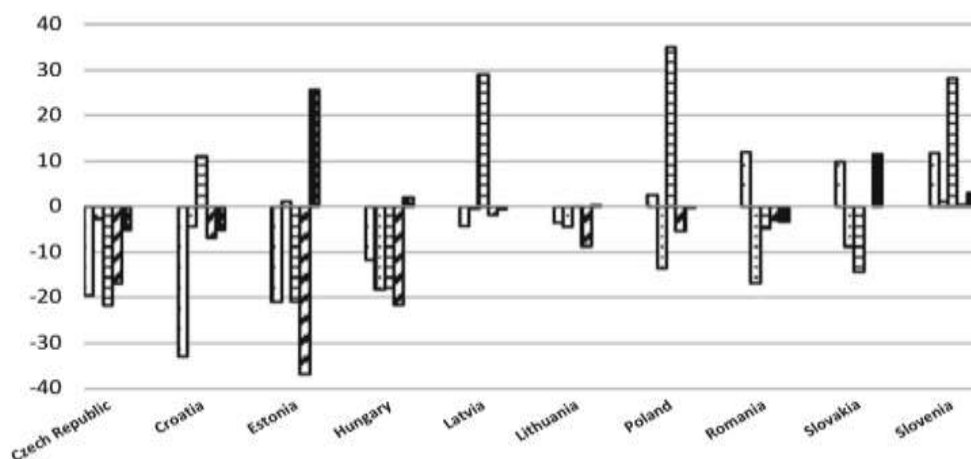
شکل ۶. میانگین GDP هر سرانه EU28=100 و میانگین رشد GDP هر سرانه EU28=100 (۲۰۰۴-۲۰۱۳). منابع داده ها:

Eurostat (۲۰۱۵) و محاسبات نویسندگان

جدول ۲. رتبه های کشورها بر طبق GDP هر سرانه و امتیازات GCI

Country	Av. GDP per capita EU28 = 100 (%)	Av. GDP per capita EU28 = 100 (ranks)	Av. GDP per capita EU28 = 100 growth (%)	Av. GDP per capita EU28 = 100 growth (ranks)	Av. GCI (scores)	Av. GCI (ranks)	Av. GCI growth (%)	Av. GCI growth (ranks)
Bulgaria	42.1	11	3.36	5	4.19	10	1.61	2
Croatia	60.9	7	0.60	12	4.07	12	0.05	9
Czech Republic	80.6	2	0.30	13	4.54	2	-0.35	12
Estonia	66.4	4	2.75	9	4.64	1	0.01	11
Hungary	64.6	5	0.71	11	4.27	7	0.41	6
Latvia	56.5	9	4.12	3	4.27	6	0.79	4
Lithuania	62.4	6	4.13	2	4.40	4	0.39	8
Poland	58.7	8	3.27	8	4.46	3	0.40	7
Romania	46.0	10	5.05	1	4.14	11	0.82	3
Slovakia	69.4	3	3.28	7	4.20	9	-0.93	13
Slovenia	86.2	1	-0.49	14	4.20	5	-1.12	14

منابع داده ها: (۲۰۱۵) Eurostat; (۲۰۱۴, ۲۰۱۳, ۲۰۱۲, ۲۰۱۱, ۲۰۱۰, ۲۰۰۹, ۲۰۰۸) WEF و محاسبات نویسندگان



□ میانگین رشد % از تجارت های مرحله اولیه با محصول/خدمات، که برای برخی یا همه ی مشتریان بالقوه جدید است

▣ میانگین رشد % از تجارت های مرحله اولیه با محصول/خدمات- رقیبان اندک یا هیچ رقیب

▤ میانگین رشد % از تجارت های مرحله اولیه با استفاده از فناوری های جدید (با سابقه کمتر از یک سال)

▥ میانگین رشد % از تجارت های مرحله اولیه که انتظار دارند بیش از ۱۰ کارمند جدید در ۵ سال آینده استخدام شوند

(<۵۰٪)

■ میانگین رشد % از تجارت های مرحله اولیه که انتظار دارند صادرات کنند

شکل ۷. میانگین رشد کیفیت شاخص های کارآفرینی مرحله ی اولیه (% ۲۰۱۱-۲۰۱۳؛ برای استونی تنها ۲۰۱۲-۲۰۱۳).

منابع داده ها: (۲۰۱۳) Xavier et al. (۲۰۱۲), Kelley et al. (۲۰۱۴), Amoros and Bosma

نتیجه گیری

رشد اقتصادی یک کشور و در نتیجه استاندارد زندگی جمعیتش به عوامل متعددی مرتبط است که درون یا بیرون کنترل سیاست گذاران، نهادها، کمپانی ها و افراد است. اگرچه به صورت متفاوت مفهوم سازی شده و اندازه گیری شده است، اما رقابت پذیری یک کشور شامل متغیرهای درونی و خارجی رشد اقتصادی است. هدف اصلی این تحقیق این بود که در یابیم آیا رقابت پذیری یک کشور و رشد اقتصادی اش مرتبط هستند یا خیر. به عنوان مقیاس رقابت پذیری، از شاخص رقابت پذیری جهانی انجمن اقتصادی جهانی به عنوان مقیاسی برای رشد استفاده کردیم، با این حال GDP هر سرانه مورد استفاده قرار گرفت. تحقیق بر نمونه ای از کشورهای عضو EU اروپای شرقی و مرکزی انجام شد که این به دلیل سابقه سیاسی و فرصت های مشابه بعد از تحولات سیاسی در آغاز دهه ۱۹۹۰ بود. دوره ی مشاهده شده تا حدی از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ بود، زمانی که همه ی این کشورها عضو EU شدند و تا حدی از ۲۰۰۸ بود زمانی که بحران مالی و اقتصادی آغاز شد.

بر مبنای محاسبات از میانگین نرخ رشد، تعیین رتبه های کشورهای و محاسبه ی همبستگی هایشان، از فرضیه ۱ پشتیبانی کردیم که رشد GDP اقتصاد ملی هر سرانه و رشد رقابت پذیری اقتصاد ملی به صورت مثبت به هم مرتبط بودند. مشاهدات یکسانی در مطالعات پیشین مانند Dorbrinsky و Havlik (۲۰۱۴) یافت شد. یافته ها نشان داد که کشورهای عضو CEE EU که مبتنی بر کارآیی یا در حال تحول بودند رشد بالایی از GDP هر سرانه را در دوره های مشاهده شده ثبت کردند که همراه با رقابت پذیری بالاتر شان می باشد؛ از سوی دیگر، برخی از کشورهای عضو CEE EU در این زمینه بدتر شدند. به طور کلی، هر کشور باید توسعه ی آن ارکان رقابت پذیری را مورد تاکید قرار دهد که برای سطح توسعه کشور مهم ترین مورد تلقی می شوند. با این حال، همانطور که همه ی ارکان رقابت پذیری به طور متقابل وابسته است، یک کشور نباید توسعه ی دیگر موارد را نادیده گیرد. تحقیق ما خلا های اصلی در رقابت پذیری هر کشور مشاهده شده را نشان داد و بنابراین می تواند به عنوان بنیاد تحلیل اولیه برای توسعه ی سیاست ها و مقیاس های مدیرانه در زمینه هایی مورد استفاده قرار گیرد که تغییرات قابل توجه ضروری هستند. برخی از مفاهیم ممکن برای سیاست گذاران و مدیران از پیشینه ی نظری تحقیق مان مشهود است که هر رکن رقابت پذیری با جزییات توصیف شده است. مشهود است که در حالیکه کشورهای مشاهده شده رکوردی از رشد و پیشرفت اقتصادی در سال های قبل از بحران اقتصادی جهانی ایجاد کرده اند، اکثر آن ها به مدل رشد جدید نیاز دارند که آن ها را قادر سازد که دوره تحول را به اتمام رسانده به صورت کاملاً اقتصاد شان را مدرن سازی کنند. مطالعات دیگر بر اهمیت بازسازی نهادی و صنعتی تاکید می ورزد که منجر به بهره آوری بالاتری و بخش های ارزش افزوده در بازارهای بین المللی می شود که می تواند به توسعه ی قابلیت هایی که خود بودجه گذار این اقتصادها کمک کند و الگوی رشد درونی ای را تحریک

کند. با توجه به سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)، سیاست های اقتصادی نباید تنها مقدار را در نظر گیرند بلکه ساختار ورودی FDI را نیز باید در نظر گرفت (ibid:۵۳).

باید فرضیه ۲ را رد کنیم (رشد GDP اقتصاد ملی هر سرانه و رشد کیفیت فعالیت کارآفرینانه مرحله اولیه مرتبط هستند). این یافته های برخی از مطالعات پیشین را تایید می کند یعنی اینکه فعالیت کارآفرینانه از رشد اقتصادی تنها به عنوان بخش محیط تجارت وسیع تر مطلوب پشتیبانی می کند.

محدودیت اصلی تحقیق مان این است که شاخص رقابت پذیری جهانی شاخص ترکیبی است که شامل شاخص پروکسی است و بر طبق مجموعه ای از روش ها می باشد. محدودیت های ممکن می تواند به دوره های کوتاه مشاهده و نمونه کوچک کشورهای مشاهده شده نیز مرتبط باشد.

بسط و گسترش های بیشتری برای تحقیق مان ممکن است. به هنگام تحلیل رابطه بین رشد GDP اقتصاد ملی هر سرانه و رشد رقابت پذیری اقتصاد ملی، تنها شاخص ترکیبی GCI را تحلیل کردیم. مطالعات آتی ممکن است تحلیل های عمیق تری از هر گروه از ارکان انجام دهند که رقابت پذیری کشور را تحت تاثیر قرار می دهد. چنین تحلیل هایی می تواند بویژه برای کشورهای جالب باشد که به طور چشمگیر رقابت پذیری شان تضعیف شده یا بهبود یافته است. همچنین انتخاب معیارهای دیگر رقابت پذیری باید در مطالعات بعدی در نظر گرفته شود.

منابع

- ۱- Badescu, M., & Garces-Ayerbe, C. (۲۰۰۹), The impact of information technologies on firm productivity: Empirical evidence from Spain. *Technovation*, ۲۹, ۱۲۲-۱۲۹.
- ۲- Borges, M., Hoppen, N., & Luce, F. B. (۲۰۰۹), Information technology impact on market orientation in e-Business. *Journal of Business Research*, ۶۲, ۸۸۳-۸۹۰.
- ۳- Chamber of Commerce, Industries and Mines. (۲۰۰۸), the project will study and provide an action plan to improve its business environment in Iran: A Case Study of the Social Security, Organization, (In Persian)
- ۴- Colecchia, A., & Schreyer, P. (۲۰۰۲), The contribution of information and communication technology to economic growth in ^۹ OECD countries. *OECD Economic Studies*, ۳۴.
- ۵- Dedrick J., Gurbaxani, V., & Kenneth, L. K. (۲۰۰۳), Information Technology and Economic Performance: A Critical Review of the Empirical Evidence; Center for Research on Information Technology and Organizations, University of California, Irvine.
- ۶- Democracy, A. (۲۰۱۰), The Impact of Tax on Business Environment.
- ۷- Economic Journal monthly economic review and policy issues, ۹ & ۱۰, (In Persian) Department of Planning and Economic Affairs (Office of Statistics and Information). (۱۳۸۸), the study measures economic freedom, corruption and businesses Iran and Selected Countries, ۳۱-۳۲.
- ۸- Dollar, D., Hallward-Driemeier, M., & Taye, M. (۲۰۰۳), Investment Climate and Firm Performance in Developing Economies. World Bank: Development Research Group.

- ۹- Haji Karim, B. L, JmalyhBastami, B., &MkyZadh, V.(۲۰۰۹), reviews the impact of information and communication technology industries in international markets (Case Study in Tehran exporting companies). business management vision, ۳۴, ۲۲-۹. (In Persian)
- ۱۰- Iravanian, M. J.(۲۰۰۹), World Competitiveness Index and the business atmosphere of the place and its Baysth Hay, (In Persian)
- ۱۱- JafariEskandari, M., Ali Ahmadi, Gh. H., & Smith, M.(۱۳۸۹), assessing business environment and industry in support of the private sector balanced scorecard approach. Industrial Engineering and Production Management, ۲, ۵۲-۳۷.
- ۱۲- Knack, S., & Keefer, P.(۱۹۹۵), Institutions and Economic Performance: Cross- Country Tests Using Alternative Measures. Economics and Politics, ۷, ۲۰۷-۲۲۷.
- ۱۳- Koellinger, P.(۲۰۰۶), Impact of ICT on Corporate Performance, Productivity and Employment Dynamics, European Commission, ۳-۲۲.
- ۱۴- Lai, J., & Chen, W.(۲۰۰۹), Measuring e-Business dependability: The employee perspective. The Journal of Systems and Software, ۸۲, ۱۰۴۶-۱۰۵۵.
- ۱۵- Li, G., & Yang, H., Sun, L., &Sohal, A. S.(۲۰۰۸), The impact of IT implementation on supply chain integration and performance. International Journal of Production Economics, forthcoming.
- ۱۶- Moradhaseli, N., Ornate, A. H., &Paryab, Sh.(۲۰۰۷), the impact of ICT on business environment and facilitate trade. economic and modern business, ۱۴, ۶۳-۳۹, (In Persian)
- ۱۷- Mouelhi, R.(۲۰۰۹), Impact of the adoption of information and communication technologies on firm efficiency in the Tunisian manufacturing sector. Journal of Economic Modelling, forthcoming.
- ۱۸- Mutula, S. M. & van Brakel, P.(۲۰۰۶), An evaluation of e-readiness assessment tools with respect to information access: Towards an integrated information rich tool. International Journal of Information Management, ۳, ۲۱۲-۲۲۳.
- ۱۹- Mydry, A., &Qvdjany, A.(۲۰۰۷), measure and improve the business environment, the dissemination of Tehran University Jihad, (In Persian)
- ۲۰- Andreica, A.(۲۰۰۴), Evaluating ICT implementations within the Romanian business environment. Journal of Transition Studies Review, ۳, ۲۳۶-۲۴۳.
- ۲۱-OECD. (۲۰۰۸), Supporting Business Environment Reform, Practical Guidance for Development Agencies.
- ۲۲- Pahjola, M.(۲۰۰۲), New Economy in Growth and Development, United Nation University, Wider. Discussion Paper, ۲۰۰۲/۱۷.
- ۲۳- Porter, M. E.(۲۰۰۹), Competitiveness and the State of Entrepreneurship in Saudi Arabia, ۱۲-۱۴.
- ۲۴- Rao, P. M. (۲۰۰۱). The ICT revolution, internationalization of technological activity, and the emerging economies: Implications for global marketing. Journal of International Business Review, ۵, ۵۷۱-۵۹۶.
- ۲۵- Ronald, C. & Porter, M.(۲۰۰۰), Microeconomic Competitiveness: Finding from Executive Survey. World Economic Forum.
- ۲۶- Scaramuzzi, E.(۲۰۰۲), E-government Lesson and Approaches.Available at: www.newecentury.com/info/lesson
- ۲۷- Stern, N.(۲۰۱۰), A Strategy for Development. Washington, D.C., World Bank. United Nations Industrial Development Organization or Unido.
- ۲۸- Bully, J.(۲۰۰۸), Creating an enabling environment for private sector development in sub-Saharan Africa.

- ۲۹- Valentinea, G., & Holloway, L. S.(۲۰۰۱), A window on the wider world? Rural children's use of information and communication technologies. *Journal of Rural Studies*, ۱۷, ۳۸۳-۳۹۴.
- ۳۰- Wakelin, O., & Shadrach, B.(۲۰۰۱), Impact assessment of appropriate and innovative technologies in enterprise development. Retrieved from <http://www.enterpriseimpact.org.uk/pdf/ICTs.pdf>.
- ۳۱- World Bank. (۲۰۰۳), *Improving the Investment Climate in Bangladesh*, -Washington D.C.
- ۳۲- World Bank. (۲۰۰۵), *World Development Report ۲۰۰۵: A Better Investment Climate For Everyone*.
- ۳۳- World bank. (۲۰۰۸), *About Doing Business ۲۰۰۹*, www.worldbank.org
- ۳۴- World bank. (۲۰۰۹), *Doing Business ۲۰۰۹*, www.worldbank.org. Worthington, I. & Britton, C. (۲۰۰۶), *The Business Environment*, Prentice Hall.

Economic Growth Under Entrepreneurship and Competitiveness

Abstract

In this paper, economic growth is under consideration in terms of entrepreneurship and competitiveness. The analysis showed that economic growth, measured by GDP at each rate of per capita growth, and the global competitiveness of countries measured by the growth rate of the World Economic Forum's World Economic Forum (WEF) index are positively correlated. The comparative analysis also showed that some of the specific and efficient transfers of countries have the highest levels of progress in the various competitiveness pillars reflected in the country's economic growth. During the testing of hypotheses about the relationship between the average growth of the quality of entrepreneurial indices in the early stages and the average GDP growth per capita, no significant relationship was found. These findings are consistent with the general view that entrepreneurial activity supports only as part of a wider and more favorable business environment of economic growth. The results of the research include an initial analytical framework for policy makers and managers of countries.

Keywords: Economic Growth, Entrepreneurship, Competitiveness